

Analysis of Young People's Desire for Social Discipline with Emphasis on Formal and Informal Norms

Received: 30, April, 2022

Accepted: 08, June, 2022

Article type: Research Article

PP: 31-56

DOI:

[10.22034/entezam.2022.100240](https://doi.org/10.22034/entezam.2022.100240)

Vahid Naghdi Dorbati

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: va.naghdi@yahoo.com

Abstract

Background and objectives: Social discipline is mainly established in three ways, which are: creating pressure and fear, passivity and non-participation of community members, and finally the desire to comply with community norms. This article has been prepared in order to discover the social contexts of educating young people in order to observe social discipline and in the direction of their voluntary desire to observe the norms of society. The theoretical approach of this article is the educational part of the "social order" theory, which is expressed in the form of the "educational content knowledge" perspective.

Method: The research method is the mixed method of "social measurement". Of course, the main report of this article is based on quantitative results, which have been confirmed and described based on qualitative evidence. The statistical population consists of 607 students from Tehran. Collecting and analyzing quantitative data by survey method and statistical techniques, qualitatively, has been conducted using observation and in-depth interview techniques.

Findings: Research findings reveal how research hypotheses are confirmed. According to mathematical models, at the level of the personality system, generalist characteristics strengthen the tendency of young people to the norms of society. Variables such as student identity, national identity and religious identity increase the desire to comply with society's norms. On the contrary, particularistic characteristics weaken the desire of young people to comply with society's norms. At the level of the educational system, the moral authority of the school staff, especially the teachers of Persian literature and special courses play a strengthening role in this matter. Also, at the macro level, a positive evaluation of the performance of law enforcement officers increases the willingness of young people to comply with official and unofficial norms.

Results: The attention of strategic planners at the levels of education, media and law enforcers can strengthen and promote the desire of young people to comply with the official and unofficial norms of the society.

Keywords: Unofficial norm, Official norm, Social community, Civil society, Universalist identity.

تحلیل تمایل جوانان به انضباط اجتماعی با تأکید بر هنجارهای رسمی و غیررسمی

چکیده

زمینه و هدف: انضباط اجتماعی عمدتاً به سه روش برقرار می‌شود که عبارت‌اند از: ایجاد فشار و ترس، انفعال و عدم مشارکت افراد جامعه و نهایتاً تمایل به رعایت هنجارهای جامعه. این مقاله، به‌منظور کشف زمینه‌های اجتماعی پرورش جوانان در جهت رعایت انضباط اجتماعی و در مسیر تمایل داوطلبانه آنان نسبت به رعایت هنجارهای جامعه تنظیم شده است. رویکرد نظری این مقاله، بخش تربیتی نظریه «نظم اجتماعی» است که در قالب دیدگاه «دانش محتوای آموزشی» بیان شده است.

روش: روش انجام پژوهش، روش تلفیقی «سنجش اجتماعی» است. البته عمده گزارش این مقاله براساس نتایج کمی است؛ که با تکیه بر شواهد کیفی مورد تأیید و توصیف قرار گرفته‌اند. جامعه آماری مشکل از 607 دانش‌آموز از شهر تهران است. گردآوری و تحلیل داده‌ها در وجه کمی به روش پیمایش و تکنیک‌های آماری؛ و در وجه کیفی، با استفاده از تکنیک‌های مشاهده و مصاحبه عمیق انجام شده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق، چگونگی تأیید فرضیه‌های تحقیق را آشکار می‌سازد. طبق مدل‌های ریاضی، در سطح نظام شخصیت، ویژگی‌های عام‌گرا تمایل جوانان به هنجارهای جامعه را تقویت می‌کنند. متغیرهایی همچون هویت دانش‌آموزی، هویت ملی و هویت مذهبی تمایل به رعایت هنجارهای جامعه را افزایش می‌دهد؛ در مقابل، ویژگی‌های خاص‌گرا تمایل جوانان به رعایت هنجارهای جامعه را تضعیف می‌کند. در سطح نظام آموزشی، اقتدار اخلاقی کادر مدرسه، به‌ویژه مدرسان ادبیات فارسی و دروس اختصاصی در این مهم نقش تقویت‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. همچنین، در سطح کلان ارزیابی مثبت از عملکرد عاملان قانون، تمایل جوانان در رعایت هنجارهای رسمی و غیررسمی را افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری: توجه برنامه‌ریزان راهبردی در سطوح آموزش و پرورش، رسانه و عاملان قانون می‌تواند تمایل جوانان به رعایت هنجارهای رسمی و غیررسمی جامعه را تقویت و ارتقاء دهد.

کلیدواژه‌ها: هنجار غیررسمی، هنجار رسمی، اجتماع جامعه‌ای، جامعه مدنی، هویت عام‌گرا.

دریافت: 1401/02/10

پذیرش: 1401/03/18

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: 31-56

شناسه دیجیتال (DOI):

[10.22034/entezam.2022.100240](https://doi.org/10.22034/entezam.2022.100240)

وحید نقدی دورباطی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه
فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه:

va.naghd@yahoo.com

ارزش‌های جامعه، عمدتاً (نه‌تماماً) در هنجارهای آن، به‌مثابه منظومه میثاق اجتماعی تبلور یافته است. سه منشأ نسبتاً متفاوت را می‌توان برای پیروی از هنجارهای جامعه و احقاق انضباط اجتماعی پی‌جویی کرد که عبارت‌اند از (1) ایجاد فشار و ترس؛ (2) انفعال، بی‌تفاوتی و عدم رغبت افراد جامعه؛ و از همه مهم‌تر (3) تمایل داوطلبانه به رعایت هنجارهای جامعه. در دو قسم نخست، نظم و انضباط اجتماعی وضعیتی ناپایدار و بالأخص غیراخلاقی دارد؛ اما در شکل سوم که افراد جامعه داوطلبانه و با اشتیاق هنجارهای را رعایت کنند، نه تنها نظم اجتماعی پایدار است، بلکه واجد ارزش اخلاقی نیز می‌باشد؛ لذا، سوق دادن افراد جامعه در جهت پیروی داوطلبانه از هنجارهای اجتماعی، اعم از رسمی و غیررسمی و به‌منظور برقراری نظم و انضباط اجتماعی یکی از دغدغه‌های محوری برنامه‌ریزان راهبردی، همچنین نهادهای انضباطی و تربیتی است.

این مقاله، با هدف تحلیل تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای جامعه تنظیم شده است. پرسش اساسی این است که نهاد تعلیم و تربیت در جامعه معاصر ایرانی، در کنار دیگر نهادهای انتظامی، چه مقدار توانسته است در پرورش جوانان نسبت به رعایت قوانین جامعه دست یابد؟

پیشینه و مبانی نظری

در تحقیقات انجام‌شده طی دهه‌های گذشته، عمدتاً بر وجه سلبی نظم و انضباط اجتماعی، یعنی شرایط تضعیف‌کننده نظم اجتماعی اشاره شده است. در برخی از این پژوهش‌ها، صراحتاً انواع بزهکاری و کج‌رفتاری مورد مطالعه قرار گرفته است. در بعضی دیگر، پایبندی‌های اخلاقی مطمح‌نظر بوده و آشکارا درباره مخاطره و بحران ملاحظات اجتماعی هشدار داده شده است.

کانون توجه برخی پژوهش‌ها که تلویحاً رعایت هنجارهای اجتماعی را مدنظر داشته‌اند، نحوه تربیت جوانان در مراکز آموزشی و شرایط تربیتی این ظرفیت‌ها

بوده است. نتایج این پژوهش‌ها، به‌نحوی حاکی از آن هستند که گویی بخش اعظمی از اهداف تربیتی یا به‌دست نمی‌آید؛ یا کمتر از انتظار حاصل می‌شود. در ادامه، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. نقدی دورباطی (4400) در یک تحلیل کانتی نئوکانتی با عنوان «تحلیل تجربی تمایل نخبگان جوان به انتظام اجتماعی: با تأکید بر رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی مبتنی بر قانون طلایی»، چگونگی توجه و حساسیت نخبگان جوان نسبت به ملاحظات اجتماعی را بررسی می‌کند. او اذعان می‌کند که علی‌رغم تمایل افزایشی نخبگان به ملاحظات اجتماعی، آنان در عملیاتی کردن این تمایل بسیار ناتوان هستند. وی، سهم نظام تعلیم و تربیت رسمی را در این فرایند بسیار چشمگیر ارزیابی می‌کند. در پژوهش دیگری که بیات، مهدوی و ساروخانی (9399)، با عنوان «بحران اخلاقی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (پژوهشی در بین شهروندان تهرانی)» انجام داده‌اند، چهار عامل احساس نابرابری، ضعف کنترل‌های اجتماعی، احساس نارضایتی، و فردگرایی خودخواهانه مهم‌ترین متغیرها در بحران اخلاقی شناخته شده‌اند. پیراهری (9399) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی با قانون‌گریزی در شهر سمنان»، تأکید می‌کند که اعتماد اجتماعی و میزان رضایت از زندگی رابطه‌ای معنادار و معکوس با قانون‌گریزی دارد؛ و با احساس آنومی دارای رابطه مستقیم است. مظفری، روشن‌قیاس و بلباسی (8388) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین مدیریت بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی ناهنجاری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر قزوین»، قویاً سازمان اجتماعی و حشرونشر با دوستان بزهکار را در بزهکاری جوانان سهیم دانسته‌اند. ابتکاری و احمدی (8388) با ارائه یک تحلیل کارکردی - ساختاری با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی پتانسیل نابهنجار با تأکید بر نظریه فشار عمومی اگنیو¹»، در تحلیل بزهکاری جوانان با استفاده از نظریه فشار آشکار می‌سازند که نوعی ظرفیت در حال افزایش، رفتار نابهنجار جوانان را هدایت می‌کند. درعین حال، پژوهش مزبور فاقد امکان نمایان‌سازی آن ظرفیت‌ها و شرایط است. نقدی دورباطی (5355) نیز در تحقیقی با عنوان

«تحلیل تجربی اخلاق عملی با تأکید بر تعهد تعمیم‌یافته به‌مثابه وجه عملی اخلاق اجتماعی»، تأکید می‌کند که در تقویت اخلاق عملی جوانان، سهم نظام تعلیم و تربیت رسمی، به‌مراتب بیشتر از خانواده است. رفیع‌پور (1311) در یک کار جامع با عنوان «موانع رشد علمی در ایران»، با محوریت اجتماعی شدن نخبگان جوان، معتقد است که ناتوانی رفتارهای اجتماعی جوانان نخبه در عرصه اجتماع به شیوه تعلیم و تربیت این جوانان در نظام آموزش و پرورش رسمی مرتبط می‌شود. همچنین رفیع‌پور (8388) در پژوهشی دیگر با عنوان «آنومی یا آشفتگی اجتماعی؛ پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران»، احساس نابرابری را مهم‌ترین متغیر در بروز آشفتگی اجتماعی معرفی می‌کند

دیدگاه نظم اجتماعی

در ادبیات موضوع، عمده نظریه‌هایی که با محوریت چگونگی تشکیل و اجرای هنجارها شکل گرفته‌اند، به‌عنوان جریان اصلی جامعه‌شناسی و ذیل «نظریه‌های توافق نظم اجتماعی»¹ شناخته شده‌اند (ریتزر²، 2020، ص 25). در این منظومه، رعایت هنجارهای اجتماعی، اعم از رسمی و غیررسمی آن‌قدر مورد توجه قرار گرفته است که گویی هسته مرکزی علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی را تشکیل داده است (رفیع‌پور، 6366، ص 277). در برخی دیدگاه‌ها، هنجارهای اجتماعی به‌ویژه هنجارهای غیررسمی به‌مثابه سیمان اجتماعی تلقی شده‌اند (الستر³، 2007، ص 353، 9999، ص 2-55). هنجارهای رسمی نیز، هم از نظر ضرورت وجودی و هم از وجه لزوم اجرا در کانون توجه بوده‌اند. به‌زعم چلبی، «هنجار قانونی عصاره عزم جمعی در انجام فعل یا ترک فعل است» که برای آن ضمانت اجرا نیز تعیین می‌کند (چلبی، 5355، ص 88). برخی دیگر آن را به‌مثابه حافظه جمعی تلقی می‌نمایند (بچلینتنر⁴، 2021^a، ص 37-60؛ بچلینتنر، 2021^b، ص 55-82؛ کیم¹،

1 - Consensus Theories

2 - Ritzer

3 - Elster

4 - Bachleitner

2020، ص 55-11). این شدت و حدت در نیاز به برقراری هنجار و پیروی از آن موجب شده تا از جانب متخصصان نظم اجتماعی، وجه سلبی آن، صراحتاً به‌عنوان «فلج اجتماعی»^۲ توصیف شود (اسمیت^۳، 2077: 44-55؛ اسملسر^۴، 1111: ص 10-37).

عمده دیدگاه‌هایی که با دغدغه احقاق جامعه مدنی، انضباط اجتماعی و از منظر تعلیم و تربیت به این مهم پرداخته‌اند، در جوف نظریه نظم اجتماعی قرار داشته و نظریه‌پردازی شده‌اند؛ برای مثال، حاصل فعالیت‌های شولمن^۵ و پیروان او، ارائه یک دستگاه نظری با محوریت آموزش و یادگیری در درون نظریه نظم اجتماعی است. ابداع اصطلاح «دانش محتوای آموزشی»^۶، موجب شده است که متخصصان، اهمیت و تأثیر زمینه آموزش یعنی شرایط آموزشی و آموزشگاهی را در یادگیری فراگیران بیش‌ازپیش درک کنند. در این منظومه نظری، نه تنها دانش محتوا و دانش مبتنی بر آموزش، بلکه دانش زمینه^۷ و متن اجتماعی نیز ادغام می‌شود (فاشی و راشل^۸، 2077، ص 66-101؛ مارباخ-آد^۹ و همکاران، 2055، ص 7-12؛ شولمن، 6666، ص 3-30).

در دیدگاه نظم اجتماعی، فرایند تعلیم و تربیت رسمی، فارغ از تأکید بر روش‌های تدریس، شرایط و نوع نظم حاکم بر محیط آموزشگاهی، به‌ویژه رفتار عادلانه معلمان و مربیان محور مطالعه قرار می‌گیرد. در این زمینه، حتی اهمیت فضای تعاملی در کلاس‌های ادبیات، و نقش مربیانی که متون ادبی و حکمی را تدریس می‌کنند، مدنظر بوده است. در واقع، یک متن هنرمندانه، اعم

1 - Kim

2 - Social Paralysis

3 - Smith

4 - Smelser

5 - Schulman

6- دانش محتوای آموزشی یا دانش محتوایی مبتنی بر تعلیم و تربیت، در ادبیات موجود که مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز قرار گرفته است، به‌صورت اختصاری با «PCK» شناخته می‌شود (PCK= Pedagogical Content Knowledge) (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، 4344 ص 13).

7 - Context Knowledge

8 - Foshay & Roschelle

9 - Marbach-Ad

از یک داستان بلند یا شرحی کوتاه از یک واقعه^۱، همچنین اشارات و روایت‌هایی از فرهیختگان یا شخصیت‌های معمولی می‌تواند چنین ارتباطی را ایجاد کند؛ و تمایل متعلمان به رعایت هنجارهای جامعه را به‌طور غیرمستقیم به‌پیش براند (بچلینتسر، 2021^b، ص 55-66؛ تی‌لر^۲، 2088^a، ص 377-383؛ 2088^b، ص 312-399؛ کییز^۳، 2011، ص 239-260). برخی تحقیقات نیز نشان می‌دهد که تعهد به قوانین رسمی در پرتوی روابط آموزشی حاصل می‌شود که عبارت‌اند از: مشغولیت مدرسه‌ای، دل‌بستگی مدرسه‌ای، مرزبندی مدرسه‌ای، مشارکت مدرسه‌ای و ارتباط مدرسه‌ای (اوزر^۴، 2005، ص 777-992؛ لیبی^۵، 2004، ص 244-283).

در دیدگاه نظم اجتماعی، نقش شرایط کلان و متغیرهای پهن‌دامنه از نظر پنهان نمانده است. روند تکوین و توسعهٔ جامعهٔ مدنی با محوریت حاکمیت قانون، در گرو دو فرایند تربیتی، یعنی فرایند درونی‌کردن و فرایند نهادینه‌سازی است (چلبی، 5355، ص 211-290). در این اثنا، حتی نقش نهادهای نظارتی و انتظامی بسیار مهم شناخته شده است. عملکرد این نهادها، در پرتوی ایفای نقش عواملشان به نمایش گذاشته می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عملکرد به‌جا و باکفایت عوامل انتظامی، به‌ویژه پلیس در تمایل کودکان و جوانان نسبت به رعایت قانون بسیار مؤثر بوده است (تایلر و ترینکر^۶، ترینکر^۷، 2077؛ تایلر و یوئن^۷، 2002).

امروزه تأکید بر این است که فرایند تعلیم و تربیت در جریان زندگی واقعی، همچنین توسعهٔ مفاهیم اجتماعی و عملی صورت می‌پذیرد. به‌عبارت‌دیگر، غفلت از زمینهٔ یادگیری، محققان را از نتایج واقعی و اهداف تربیتی دور می‌دارد و تلاش برنامه‌ریزان اجتماعی را نیز به بیراهه سوق خواهد داد

1 - Vignette

2 - Taylor

3 - Keyes

4 - Ozer

5 - Libbey

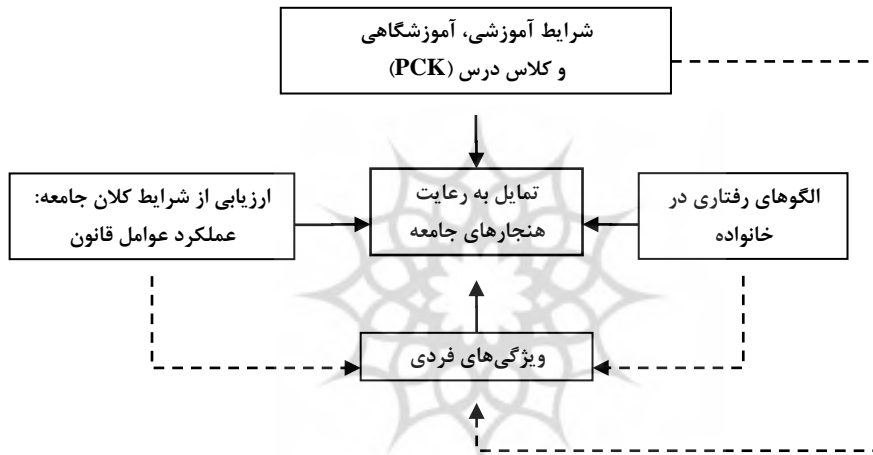
6 - Tyler & Trinkner

7 - Tyler & Yuen

(سماگورینسکی¹، 2088، 2013). لذا، مدل نسبتاً ساده‌ی زیر برای پژوهش حاضر ارائه شده و فرضیه‌های استخراج‌شده موردسنجش قرار خواهد گرفت.

مدل نظری تحقیق

با توجه به مبانی نظری و شرایط پژوهش، مدل ساده‌ی زیر ارائه می‌گردد. همان‌طور که در شکل 1 مشاهده می‌شود، توان تبیین نظریه‌ی دانش محتوای آموزشی با موضوع «تمایل جوانان به رعایت هنجارهای جامعه» در درون نظریه‌ی نظم اجتماعی به چالش کشیده شده است.



شکل 1. مدل نظری: الگوی علی تربیت جوانان در جهت رعایت هنجارهای جامعه، اعم از رسمی و غیررسمی

روش

این پژوهش بر اساس روش «سنجش اجتماعی»² انجام شده است. روش سنجش اجتماعی، به جای تأکید صرف بر سیستمی از اصول سازماندهی شده و دستورالعمل‌ها، به‌مثابه منطق ذهن پرورش یافته است. در این روش، به جای تأکید بر آنچه باید انجام شود، آنچه صورت گرفته مغتنم شمرده می‌شود.

1 - Smagorinsky

2 - Social Measurement

سنجش اجتماعی به محقق اجازه می‌دهد که با اتکا به یافته‌های کیفی (مشاهدات و مصاحبه‌ها) به لایه‌های عمیق‌تر روابط آماری رفته و مکشوفات جدیدی را هویدا سازد. نمونه این پژوهش، شامل 607 دانش‌آموز مقطع متوسطه در استان تهران است. این تعداد، متناسب با (1) دقت مورد انتظار؛ (2) توزیع مدارس در نواحی تهران؛ و (3) جمعیت تحقیق در نظر گرفته شده؛ و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مورد انتخاب قرار گرفته است. قابل‌ذکر است که هشت پرسش‌نامه به علت عدم تمایل پاسخگویان به مشارکتِ بادقت، از مجموع پرسش‌نامه‌ها حذف شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، یادداشت‌های محقق از مشاهدات در میدان تحقیق و مصاحبه با عوامل اجتماعی و فرهنگی مدارس و پرسش‌نامه حاوی پرسش‌های سیستماتیک در سطوح خانواده، مدرسه و ارزیابی از عملکرد نهادهای عوامل قانون در سطح کلان است. این پرسش‌نامه از تلفیق پرسش‌نامه‌های موجود در تحقیقات پیشین تهیه شده است که از اعتبار و روایی بالایی برای سنجش متغیرهای نظم اجتماعی برخوردار می‌باشند؛ بنابراین، در این مقاله واحد تحلیل فرد است؛ و استخراج مدل‌ها و الگوهای ریاضی تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS 25 انجام شده است.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی

در این پژوهش، با معیار دسترسی و ورود به مدارس، همچنین نوع دبیرستان (دولتی و ویژه)، به‌طور تصادفی دوازده دبیرستان دولتی و ویژه از نواحی مختلف تهران انتخاب شده‌اند. با توجه به نمونه‌گیری خوشه‌ای، از جوانان محصل خواسته شده که به پرسش‌نامه طراحی شده پاسخ دهند.

جدول 2 نشان می‌دهد که نمونه این پژوهش (707 نفر و حذف 8 پرسش‌نامه نامعتبر)، از 12 دبیرستان گرفته شده است. این دبیرستان‌ها شامل شش دبیرستان دولتی پسرانه و سه دولتی دخترانه؛ به‌علاوه دو دبیرستان تیزهوشان پسرانه (علامه حلی)، یک دبیرستان تیزهوشان دخترانه (فرزانگان) هستند.

جدول 2- فراوانی دانش آموزان در نمونه‌های تحقیق بر اساس نوع مدرسه

نوع مدرسه	تعداد پاسخگو	درصد
دولتی	535	72/62
خاص	444	27/38
کل	999	100

جدول 3، جنسیت پاسخگویان را مبتنی بر نوع جنسیت (مدارس دخترانه / پسرانه) پاسخگویان به نمایش می‌گذارد. عدم تقارن در جنسیت پاسخگویان به دلیل همکاری نکردن مدیران دبیرستان‌های دخترانه با همکاران پژوهش بوده است.

جدول 3- فراوانی و درصد فراوانی پاسخگویان، مبتنی بر جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
پسر	999	99/99
دختر	880	30/01
کل	999	100

جدول 4، توزیع جمعیت نمونه‌ها را با تفکیک پایه تحصیلی نشان می‌دهد.

جدول 4- فراوانی نمونه تحقیق به تفکیک پایه تحصیلی

پایه	فراوانی	درصد
دهم	266	11/07
یازدهم	999	33/22
دوازدهم	444	25/11
کل	999	100

شاخص‌های تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای رسمی و غیررسمی جامعه بر روی یک طیف پنج قسمتی (طیف لیکرت: از یک تا پنج) آشکار می‌شود؛ به طوری که عدم تمایل کامل به رعایت هنجار، متناظر با عدد یک؛ و بیشترین تمایل متناظر با عدد پنج است.

خانه 1. توضیح روشی - این مقدار را می‌توان روی یک طیف و به‌صورت زیر نمایش داد؛ که اعداد آن به‌مثابه کُد هستند و ارزش عددی ندارند. به‌عبارت‌دیگر، فقط جایگاه میانگین را می‌توان بر روی آن برجسته نمود.					
تمایل به رعایت هنجارهای غیررسمی ✓ (3/099)					
1	2	3	4	5	تمایل کامل به اجرای هنجارها عدم تمایل کامل به اجرای هنجارها
تمایل به رعایت هنجارهای رسمی (3/820) ✓					
همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار متوسط تمایل جوانان به رعایت هنجارهای غیررسمی جامعه عملاً روی قسمت خنثی (3/099) است (نه تمایل، نه انزجار)؛ و تمایل به رعایت هنجارهای قانونی به سمت تمایل به اجرا (3/820) قرار گرفته است.					

در جدول 5، مهم‌ترین آماره‌های مرکزی و پراکندگی این شاخص‌ها به نمایش درآمده است.

جدول 5- تمایل جوانان به رعایت هنجارهای جامعه، اعم از رسمی و غیررسمی

آماره‌ها	تمایل به رعایت هنجارهای	
	غیررسمی	تمایل به رعایت هنجارهای رسمی
میانگین	3/099	3/820
میانه	3/000	4/000
مُد	3/00	5/000
انحراف معیار	0/666	1/099
کمینه	1/000	1/000
بیشینه	5/000	5/000
تعداد	معتبر 999	999
	مفقوده 1	1

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمایل به رعایت هنجارهای غیررسمی نزد پاس‌خگویان کمتر از رعایت هنجارهای رسمی است. به‌عبارت‌دیگر، شأن هنجارهای رسمی و قانونی نزد جوانان از منزلت هنجارهای غیررسمی بیشتر است. شواهد کیفی که از مصاحبه با پاس‌خگویان حاصل شده نشان می‌دهد که انسجام و سامان‌بخشی محله‌ها کاهش یافته؛ و در بخش‌هایی نیز تنظیمات اجتماعی غیررسمی تا اندازه قابل‌ملاحظه‌ای از کار افتاده است. پژوهش‌های پیشین، این رویداد را تأیید می‌کنند و افول تمایل به رعایت اخلاق اجتماعی را نشان می‌دهند. این شرایط، در پژوهش‌های اسملسری نزدیک به مفهوم «فلج

اجتماعی» است. تفسیر این پدیده را در پژوهش‌های دورکهایمی می‌توان چنین بیان کرد که تضعیف هنجارهای اجتماعی و کاهش قدرت تنظیمی آن‌ها موجب شده تا ایقان اخلاقی¹ مورد تردید قرار گیرد؛ و این مهم نیز به نوبه خود تضعیف تمایل به رعایت هنجارهای جامعه را در پی داشته است. این مهم به معنای آن نیست که در حال حاضر برای تنظیمات اجتماعی بر روی قوانین رسمی و تنظیمات قانونی بیشتر می‌توان تکیه کرد تا هنجارهای غیررسمی. در بخش نتایج به این موضوع و اهمیت آن پرداخته خواهد شد.

قابل ذکر است که تفاوت مقادیر متوسط مقیاس‌های فوق مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی، پایه تحصیلی، منطقه‌ای، و نوع مدرسه مورد تحلیل واریانس قرار گرفته؛ اما تفاوت معنادار با معیارهای مزبور مشاهده نشده است؛ لذا، از گزارش آن‌ها صرف نظر می‌شود.

دستیابی به اهداف تحقیق، نیازمند ورود به تحلیل آماری دو و چند متغیری است. هر چند وجود دو متغیری (همبستگی آماری)، ملاک اثربخشی است و آشکارکننده نظم ریاضی موجود در طبیعت است (شولمن، 6666)؛ اما تأکید می‌شود که وجود همبستگی آماری ضرورتاً دال بر وجود رابطه علی بین متغیرها نیست. این که آیا این روابط کاذب هستند یا علی؛ و اگر علی هستند، چه جزئی از آن‌ها ناشی از اثر مستقیم است و چه جزئی اثر غیرمستقیم، در تحلیل رگرسیونی چندگانه تا حدودی روشن خواهد شد (چلبی، 5355: 444). لذا، هر چند رابطه همبستگی و تحلیل دو متغیری همگی کم‌وبیش به شکل معنادار فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کنند؛ اما از بیان آن‌ها صرف نظر می‌شود و در ادامه به تحلیل مدل‌های علی آماری یا رگرسیونی پرداخته خواهد شد.

تحلیل رگرسیونی تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی: در این قسمت، تمایل جوانان به رعایت هنجارهای غیررسمی مورد تحلیل چند متغیری قرار می‌گیرد. به این منظور، ضرایب همبستگی تمایل به رعایت

هنجارهای غیررسمی با آن دسته از متغیرهای اصلی که سطح معنی‌داری آن‌ها بالاتر از پنج درصد است، در معادله رگرسیون وارد شده‌اند.

مدل 1، در جدول 6، ضرایب رگرسیون تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی را نشان می‌دهد که گام‌به‌گام در معادله رگرسیون چندگانه باقی مانده‌اند. این مدل، با 9 متغیر، توان توضیح 53 درصد تغییرات این تمایل هنجاری را دارا است. این مدل، دارای یک متغیر در سطح خانواده، سه متغیر در سطح مدرسه، چهار متغیر در سطح نظام شخصیت، و یک متغیر در سطح کلان است.

جدول 6- مدل رگرسیونی چندگانه تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی

سطح نظم			متغیرهای مستقل	مدل 1		
				β	B	Sig.T
نظام خانواده			تعداد برادر	-0/077	-0/099	0/022
			R^2	0/012		
نظام شخصیت (ویژگی‌های فردی)			فردگرایی خودخواهانه	-0/666	-0/525	0/003
			بردباری	0/666	0/111	0/007
			صداقت مبتنی بر عدم اجبار	0/555	0/838	0/001
			تمایل به محصولات فرهنگی خشن	-0/088	-0/111	0/007
			R^2	0/299		
نظام آموزشی (PCK)			صداقت در کادر مدرسه	0/209	0/999	0/000
			تحقیر رتبه‌های غیرممتاز در مدرسه	-0/031	-0/111	0/000
			هویت مدرسه‌ای	-0/063	-0/077	0/027
			R^2	0/111		
سطح کلان (ارزیابی از جامعه)			عدالت رویه‌ای حقوقی و قضایی	0/773	0/888	0/001
			R^2	0/072		
مقدار ثابت مدل				1/777	0/000	
معنی‌داری مدل				0/000		
ضریب همبستگی مدل (R)				0/111		
ضریب تعیین مدل (R^2)				0/444		

مدل 1 نشان می‌دهد که سهم فرضیه نخست، یعنی نظام خانواده در سوق‌دهی جوانان نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی حدود یک درصد است.

این مدل آشکار می‌سازد که خانواده در این مورد اثر تضعیف‌کننده دارد؛ و این اثر از طریق برادران اعمال می‌شود.

مدل 1 نشان می‌دهد که سهم فرضیه دوم، یعنی نظام شخصیت در تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی 26 درصد است. این مدل نشان می‌دهد که فردگرایی خودخواهانه تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی را کاهش می‌دهد. همچنین، هر چه بردباری جوانان بیشتر باشد، تمایل آنان نسبت به رعایت هنجارهای اجتماعی بیشتر خواهد بود. این مدل آشکار می‌سازد که صداقت مبتنی بر عدم اجبار و بر اساس یک وظیفه اخلاقی مقوم تمایل جوانان در رعایت هنجارهای اجتماعی است.

مطابق مدل 1، هر چه جوانان بیشتر متمایل به استفاده از محصولات فرهنگی خشن باشند، تمایل آنان برای رعایت هنجارهای غیررسمی کاهش خواهد یافت. در واقع، این فرایند طی دو مرحله به وقوع می‌پیوندد. ابتدا، انس با محصولات فرهنگی خشن، برای جوانان خشونت را توجیه‌پذیر می‌نماید. در مرحله بعد و در پی این توجیه‌پذیری، جوانان از محیط اجتماعی و عاطفی فاصله می‌گیرند تا به‌کارگیری خشونت در ذهن او امکان‌پذیر گردد. این فاصله اجتماعی، در واقع، بیگانگی از هنجارها و قواعد اجتماعی است. در واقع، خوگیری جوانان با فیلم‌ها، کارتون‌ها، و بازی‌های رایانه‌ای خشن، آنان را نسبت به اجتماع بیگانه کرده و تمایل‌شان را نسبت به رعایت هنجارهای متناظر تضعیف می‌کند.

مدل 1 آشکار می‌سازد که سهم فرضیه سوم، یعنی نظام آموزشی و آموزشی‌گامی در تبیین تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی 20 درصد است. این مدل نشان می‌دهد که هر چه جوانان در کادر مدرسه، صداقت بیشتری را مشاهده نمایند، تمایل آنان نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی افزایش خواهد یافت. همچنین، این مدل آشکار می‌سازد که هر چه دانش‌آموزان به علت نیارودن رتبه‌های ممتاز تحقیر شوند، تمایل آنان نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی کاهش می‌یابد. گویی، با تأکید زیاد بر نمره محصلان به‌عنوان ملاک «خوب‌بودن»، اتصال آنان با فضای گرم و صمیمی جامعه

تضعیف می‌شود؛ موجبات بیگانگی آنان از اجتماع فراهم و متعاقباً شأن هنجارهای اجتماعی نزد آنان کاهش خواهد یافت.

مدل 1 تأکید می‌کند که هویت مدرسه‌ای، به‌مثابه یک هویت خاص‌گرا، که در نظام آموزشی و آموزشگاهی متبلور می‌شود، در تمایل جوانان به رعایت هنجارهای اجتماعی نقش تضعیف‌کننده ایفا می‌کند.

مطابق مدل 1، سهم فرضیه چهارم، یعنی سطح کلان و شرایط پهن‌دامنه در تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای اجتماعی حدود هفت درصد است. این تأثیرگذاری، که به‌نوبه خود هفت برابر تأثیر خانواده است از طریق یک متغیر، آن‌هم ارزیابی مثبت از عملکرد عوامل قانون در تحقق عدالت قضایی صورت می‌پذیرد. به‌عبارت‌دیگر، هر چه جوانان در مشاهده رفتار عوامل اجرایی قانون، رسیدگی به شکایات و پرونده‌های قضایی را عادلانه‌تر ارزیابی نمایند، تمایل آنان به رعایت هنجارهای اجتماعی افزایش خواهد یافت. گویی، عادلانه دانستن نظام کنترلی و قضایی، جوانان را به نظام اجتماعی پیوند می‌زند؛ قدر و منزلت هنجارها را نمایان‌تر ساخته و آنان را در اجرای آن قواعد اجتماعی متمایل‌تر می‌سازد.

آنچه در مورد مدل 1 بسیار جالب‌توجه است، مقدار و معناداری کمیت برون‌یابی شده مدل، یعنی ضریب ثابت (B) معادله است. این مقدار، نتیجه برون‌یابی² مدل است و نشانگر مقدار متغیر وابسته فارغ از تأثیر متغیرهای مستقل است. درواقع، مقدار ثابت، به‌شرط معنادار بودن، آشکارکننده مکنونات متغیر وابسته بدون لحاظ نمودن شرایط مدل است. با توجه به این‌که ابزار سنجش تمایل جوانان به رعایت هنجارهای غیررسمی بر روی یک طیف پنج‌قسمتی (یک تا پنج) بوده است، مقدار به‌دست‌آمده (1/66)، گویای آن است که فارغ از شرایط مدل و تأثیر متغیرها، عمدتاً جوانان تمایلی به رعایت هنجارهای غیررسمی ندارند.

¹ - Intercept

² - Extrapolation

به عبارت دیگر، مقدار ثابت مدل گویای این حقیقت است که جوانان بدون تأثیر شرایط تربیتی مزبور، معیارهای غیررسمی رفتار اجتماعی را پاس نمی‌دارند و از آن قواعد پیروی نمی‌کنند.

خانه 2. توضیح روشی - مقدار ثابت مدل اول را می‌توان روی یک طیف و به صورت زیر نمایش داد:					
مقدار ثابت مدل 1 (1/66):	5	4	3	2 ✓	1
تمایل کامل به اجرای هنجارها	O-----O	O-----O	O-----O	O-----O	O-----O
همان طور که مشاهده می‌شود، فارغ از تأثیرات متغیرهای مدل، تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی در منطقه عدم تمایل قرار دارد.					

تحلیل رگرسیونی تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای رسمی (قانونی): مدل 2، در جدول 7، ضرایب رگرسیون تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای رسمی یا قانونی را نشان می‌دهد که گام‌به‌گام در معادله رگرسیون چندگانه باقی مانده‌اند. این مدل، با 11 متغیر، می‌تواند 44 درصد تمایل جوانان در پاسداشت و اجرای هنجارهای قانونی را توضیح دهد. این مدل، دارای یک متغیر در سطح خانواده، چهار متغیر در سطح مدرسه، پنج متغیر در سطح نظام شخصیت، و یک متغیر در سطح کلان است.

مدل 2 نشان می‌دهد که سهم فرضیه نخست، یعنی خانواده در تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای رسمی (قانونی) حدود یک درصد است؛ و این تأثیر ضعیف از طریق هم‌بختی در خانواده میسر می‌شود. گویی، هم‌بختی در خانواده‌ها، نوعی همگرایی در اهداف بیرونی و رسمی است؛ و عمدتاً مرهون رعایت قواعد و مسیرهای رسمی و قانونی است.

مطابق با مدل 2، سهم فرضیه دوم، یعنی نظام شخصیت در تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای رسمی یا قانونی 24 درصد است. این مدل نشان می‌دهد که هویت‌های عام‌گرای مذهبی و ملی در حضور یکدیگر، جوانان را نسبت به رعایت قوانین سوق می‌دهد. همچنین، این مدل آشکار می‌کند که تمایل جوانان به صداقت، آن‌هم از نوع منفعت‌گرا، آنان را بیشتر به اجرای قوانین سوق خواهد داد. به عبارت دیگر، رعایت صداقت نه به‌خاطر یک وظیفه اخلاقی و نه فارغ از اجبار، بلکه با عنایت به سود و منفعتی که در پیش خواهد داشت، جوانان را به سمت رعایت هنجارهای رسمی سوق می‌دهد. همین نوع

تأثیر، ولی با قوت بیشتر برای هنجار اخلاقی انصاف نیز صادق است. به عبارت دیگر، تمایل خاص گرایانه به هنجار انصاف، جوانان را به سوی رعایت هنجارهای رسمی متمایل خواهد ساخت. این مدل آشکار می‌کند که هویت دانش‌آموزی، به مثابه یک هویت عام‌گرا که بستر تبلور آن در نظام آموزشی و آموزشگاهی است، نقش تقویت‌کننده در تمایل جوانان به رعایت قوانین ایفا می‌کند.

جدول 7- مدل رگرسیونی چندگانه تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای رسمی

مدل 2			متغیرهای مستقل	سطح نظم
Sig.T	β	B		
0/001	0/838	0/939	هم‌بختی در خانواده	نظام خانواده
	0/044		R^2	
0/001	0/838	0/121	هویت مذهبی	نظام شخصیت (ویژگی‌های فردی)
0/050	0/044	0/088	هویت ملی	
0/077	0/082	0/093	صداقت مبتنی بر منفعت	
0/000	0/553	0/777	انصاف خاص‌گرا	
	0/243		R^2	
0/055	0/066	0/082	رفتار منصفانه معلم فارسی	نظام آموزشگاهی (PCK)
0/034	0/011	0/055	هویت دانش‌آموزی	
0/011	0/055	0/011	اقتدار اخلاقی معلم تخصصی	
0/040	-0/044	-0/023	تجربه‌درگیری فیزیکی در مدرسه	
0/099	-0/080	-0/072	تحقیر رتبه‌های غیرممتاز در مدرسه	
	0/277		R^2	
0/024	0/092	0/666	ارزیابی مثبت از عدالت قضایی	سطح کلان (ارزیابی از جامعه)
	0/424		R^2	
0/444		0/222	مقدار ثابت	
	0/000		معنی‌داری مدل	
	0/999		ضریب همبستگی مدل (R)	
	0/888		ضریب تعیین مدل (R^2)	

مدل 2 نشان می‌دهد که اقتدار اخلاقی معلم تخصصی در تمایل جوانان به رعایت هنجارهای قانونی نقش تقویت‌کننده دارد. دروس اختصاصی، مهم‌ترین و فنی‌ترین دروس در رشته‌های تحصیلی قلمداد می‌شوند؛ مثلاً در رشته ریاضی-

فیزیک، دروس ریاضی و فیزیک اختصاصی هستند؛ در رشته علوم تجربی، دروس زیست‌شناسی و شیمی اختصاصی می‌باشند؛ و در رشته علوم انسانی، دروس فلسفه، منطق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دروس اختصاصی محسوب می‌شوند. همچنین در این مدل تصریح می‌شود که همین ظرفیت هدایت و پرورش، برای معلمان فارسی و در همه رشته‌های تحصیلی فراهم است. به عبارت دیگر، هر چه معلم فارسی که راوی فرهنگ کهن و نوین ایرانی است، در ارتباط با جوانان و ارزیابی آنان جانب انصاف را بیشتر نگاه دارد، تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای قانونی افزایش می‌یابد.

مدل 2، نشان می‌دهد که تجربه درگیری فیزیکی در مدرسه، نقش تضعیف‌کننده بر تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای رسمی دارد. به عبارت دیگر، خشونت فیزیکی در مدرسه شأن قوانین رسمی را نزد فرد تنزل می‌دهد؛ و متعاقباً تمایل او نسبت به قوانین در سطوح بالاتر را نیز کاهش خواهد داد.

در مدل 2 مشاهده می‌شود که سهم فرضیه چهارم، یعنی سطح کلان در تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای رسمی و قانونی حدود 12 درصد است. این تأثیرگذاری نیز مانند مدل قبل از طریق متغیر ارزیابی مثبت از عدالت قضایی صورت می‌پذیرد.

مقدار ثابت (B) و برون‌یابی در مدل 2 نیز نکات بسیار ظریف و پنهانی را آشکار می‌سازد. با توجه به مقدار آن، یعنی عدد 0/622 که از عدد یک، به عنوان پایین‌ترین امتیاز ممکن نیز کمتر است، می‌توان ادعا کرد که فارغ از شرایط مدل و تأثیر متغیرها، وضعیت تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای رسمی جامعه بسیار وخیم است. به عبارت دیگر، برون‌یابی مدل گویای این حقیقت است که بدون تأثیر شرایط تربیتی، نه تنها نظارت‌های رسمی از جانب جوانان چندان پاس داشته نمی‌شود، بلکه ظرفیت انزجار از قوانین به شدت نزد جوانان وجود دارد؛ و به مثابه آتش زیر خاکستر و یک ظرفیت ویرانگر، انتظام اجتماعی همواره مورد تهدید قرار دارد.

خانه 3. توضیح روشی - مقدار ثابت مدل دوم را می‌توان روی یک طیف و به صورت زیر نمایش داد:						
مقدار ثابت مدل 2 (0/62):	5	4	3	2	1	✓ صفر
تمایل کامل به اجرای هنجارهای رسمی	0	0	0	0	0	عدم تمایل کامل به اجرای هنجارها
همان‌طور که مشاهده می‌شود، فارغ از تأثیرات متغیرهای مدل، تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی تقریباً در منطقه عدم تمایل کامل قرار دارد.						

نتیجه‌گیری

در این مقاله، عوامل مؤثر بر تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای جامعه با استفاده از رویکرد نظم/اجتماعی در سطوح مختلف مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. منظور از هنجارهای جامعه، هم شامل قواعد اجتماعی غیررسمی است که در معنای دور‌کهایمی بنیان انسجام و همبستگی اجتماعی بر آن استوار است؛ و هم شامل قوانین یا قواعد رسمی است که جامعه مدنی بر تمایل به اجرای آن‌ها بنا می‌شود.

با توجه به یافته‌های تحقیق، نقش نظام خانواده در تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای جامعه در مقایسه با دیگر نظام‌ها بسیار کمتر است. به جرئت می‌توان ادعا نمود که در این مهم، نظام آموزشی و آموزشگاهی نقشی بسیار جدی ایفا می‌کند. فضای مدرسه مهیاکننده شرایطی است که نونهالان، نوجوانان و جوانان از جوف آن به محیط اجتماعی وارد شده و با مؤلفه‌های آن آشنا می‌شوند. این پژوهش، صراحتاً نقش عوامل مدرسه را آشکار ساخته است. رفتار اخلاقی و صادقانه عوامل مدرسه، به‌ویژه معلمان تخصصی به‌عنوان مهم‌ترین راهنمایان فنی در شاخه تحصیلی؛ و معلمان زبان فارسی به‌مثابه شالوده فرهنگ و حکمت پارسی، عهده‌دار سهم فراوانی در گرایش جوانان به رعایت نظم و انضباط اجتماعی می‌باشند.

محیط مدرسه، می‌تواند شرایطی را فراهم کند که محصلان دارای هویت دانش‌آموزی شوند و خود را به‌مثابه عناصر ملی قلمداد کنند. هویت دانش‌آموزی، برای محصلان ذهنیتی پدید می‌آورد که در لوای آن تعهد به اجتماع جامعه‌ای¹ تأمین می‌گردد. در مقابل، هویت مدرسه‌ای که به‌نوبه خود

1 - Societal community

نوعی خاص‌گرایی است، و برای الحاق محصلان به اجتماع جامعه‌ای سمّی مهلک است، محصلان را فقط به مدرسه خود متمایل می‌کند و نوعی تعهد گروهی می‌سازد؛ و درنهایت آنان را از جامعه کل جدا می‌سازد.

در این مقاله مشاهده شده است که هویت‌های عام‌گرای دیگری مانند هویت ملی و هویت مذهبی، هر دو در تمایل جوانان به هنجارهای جامعه نقش‌های جدی ایفا می‌کنند. این، مؤید آن واقعیت است که برای جوانان ایرانی هویت ملی در کنار هویت مذهبی مؤید بخش‌های رسمی جامعه و هنجارهای آن است. البته، قابل ذکر است که نقش هویت مذهبی در این مهم قوی‌تر از هویت ملی است؛ لذا، از دیدگاه آسیب‌شناختی، مسئولان امر باید مترصد کیفیت و کمیت این دو هویت باشند و شرایط را برای تقویت هر دو مهیا کنند. به عبارت دیگر، اگر شرایط مدل‌های تحقیق را از وجه سلبی مطالعه کنیم، تصریح می‌کنیم که اگر توجه و تمایل به هنجارهای رسمی دچار اغتشاش شود، هویت‌های ملی و مذهبی دچار ضعف شده‌اند؛ آنگاه با توجه به نقش قوی‌تر هویت مذهبی، می‌توان ادعا کرد که هویت مذهبی مشمول آسیب جدی‌تری شده است.

در این پژوهش آشکار شده است که اجرای عدالت که توسط مجریان و عوامل قانون به منصفه ظهور می‌رسد، تمایل جوانان را هم نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی و هم هنجارهای رسمی تقویت می‌کند؛ از این رو، شایسته است که مسئولان امر مراقب باشند که پُر کردن عاملیت‌ها توسط کدام عاملین و با چه کیفیتی صورت می‌پذیرد. درواقع، نقص در عملکرد مجریان قانون، هم به پیکره رسمی جامعه و هم به اجتماع جامعه‌ای صدمه خواهد زد.

با توجه به یافته‌های تحقیق، به‌ویژه آنچه در برون‌یابی مدل‌های رگرسیونی آشکار شده است، درمی‌یابیم که فارغ از شرایط محیطی، تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای غیررسمی چندان وضعیت مطلوبی ندارد. درعین‌حال، تمایل جوانان نسبت به رعایت هنجارهای قانون بحرانی‌تر است و مرزهای کمینه در پژوهش را نیز درنوردیده است. به عبارت دیگر، نزد این جوانان، جامعه در وجه غیررسمی قدر و منزلتش را از دست داده و در بُعد رسمی نیز تکیده و

منزجرکننده شده است. اکنون، سؤال جدی این است که اگر این جوانان با همین کیفیت، به‌عنوان نیروهای فعال در عرصهٔ جامعه وارد شوند و ساکنان ادارهٔ جامعه را در سطوح مختلف، اعم از دولتی و غیردولتی در دست گیرند، چه پیش خواهد آمد؟

قطعاً این جوانان به عرصهٔ جامعه وارد خواهند شد و ایفای نقش خواهند نمود؛ و اگر تغییرات لازم در پرورش آنان رُخ ندهد، در آیندهٔ نزدیک جامعهٔ ایرانی وارد یک «بزنگاه تاریخی»^۱ می‌شود؛ که در آن شرایط، نه‌تنها جامعهٔ مدنی بلکه اجتماع جامعه‌ای تحت مخاطره خواهد بود. امروزه، عمدهٔ روش‌شناسان علوم اجتماعی به تأسی از کورت لوین تصریح می‌کنند که «اگر می‌خواهید چیزی را واقعاً درک کنید، سعی کنید آن را تغییر دهید». در اینجا نیز امرِ خطیرِ «ایجاد تغییر» به‌مثابه یکی از اهداف علم، هم در فهم حقایق، و هم در پیشگیری از فجایع، بسیار حیاتی قلمداد شده است (مرتلی، 2099، ص 55؛ لوین، 2000). درواقع، آنچه اکنون از آن با عنوان بزنگاه تاریخی یاد شد، حاوی رویدادهایی به‌مثابه فرسایش تمدنی و فلج اجتماعی است. به‌عبارت‌دیگر، شاید اکنون باصراحت بر سقوط ظرفیت‌های «جامعهٔ مدنی» و «گوهر ایرانی» قائل نباشیم؛ ولی شایسته است که به‌طور جدی زنگ‌های هشدار را برای ورود به این مرحلهٔ تاریخی به‌صدا درآوریم.

پیشنهادها

- پیشنهاد می‌شود مطابق شرایطی که در مدل‌های پژوهش آشکار شده است، و فارغ از شتاب‌زدگی، در جهت اهداف راهبردی اقداماتی صحیح انجام شود.

- شایسته است که تقویت ویژگی‌های عام‌گرا از اولویت‌های نخست برخوردار گردد. از میان آن‌ها صراحتاً می‌توان بر تقویت سه هویت عام‌گرا یعنی هویت مذهبی، ملی و دانش‌آموزی تأکید کرد.

- برنامه‌های پرورشی، در سطوح منطقه‌ای و محله‌ای، اصرار بر هویت‌های خاص‌گرا همچون هویت مدرسه‌ای، محله‌ای، قبیله‌ای و امثالهم را از دستور کار

خارج کنند؛ چراکه این هویت‌ها پیکر اجتماع جامعه‌ای را تضعیف، و جامعه مدنی را فرسوده خواهد کرد.

-نقش رسانه در به‌تصویرکشیدن عملکرد نیروهای انتظامی و قضایی، در کشف و برخورد قاطع با جرائم از همه مهم‌تر است. در واقع، ارزیابی مثبت جوانان از عملکرد عوامل عدالت انضباط اجتماعی را قوام می‌بخشد؛ و این مهم، توسط عملکرد رسانه تحقق خواهد پذیرفت.

-برنامه‌ریزان راهبردی و دست‌اندرکاران به‌خوبی می‌دانند که اقدامات فوق باید در سایه پژوهش‌های مکرر و توسط محققان موثق انجام پذیرد؛ زیرا با اقدامات نسنجیده، احتمال بروز تغییرات ناخواسته، غیرقابل‌پیش‌بینی، و ایجاد شرایط پیچیده‌تر افزایش خواهد یافت؛ لذا، به‌لحاظ روشی، پیشنهاد می‌گردد تغییرات مزبور ابتدائاً تحت تحقیقات منظم و حساب‌شده، و در قالب‌های اقدام‌پژوهی با بُرد کوتاه انجام شود؛ تا سهم شرایط متفاوت در گرایش جوانان به اجرای هنجارهای جامعه واضح‌تر شود؛ و پس از اقدامات متناظر، کندوکاو در سطوح بالاتر نیز لحاظ گردد.

سپاس‌گزاری

در پایان، محقق بر خود واجب می‌داند از تمامی مدیران و کارکنان آموزش و پرورش استان تهران که در فرایند این پژوهش همکاری کرده‌اند و زمینه‌های تحقیق را فراهم کرده‌اند، تشکر و قدردانی کند.

- ابتکاری، محمدحسین و احمدی، سیروس. (8388). تحلیل جامعه‌شناختی پتانسیل نابهنجار با تأکید بر نظریه فشار عمومی اگنیو. *فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی*، 11(2)، 1-22. قابل بازیابی از:
http://sopra.jrl.police.ir/article_91897.html
- بیات، فریبرز؛ مهدوی، سیدمحمدصادق و ساروخانی، باقر. (9399). بحران اخلاقی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (پژوهشی در بین شهروندان تهرانی). *مجله علمی - پژوهشی مسائل اجتماعی ایران*، 11(1)، 35-11. قابل بازیابی از:
<https://www.sid.ir/paper/952508/fa>
- پیراهری، نیر. (9399). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی با قانون‌گریزی در شهر سمنان. *فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی*، 12(1)، 111-662. قابل بازیابی از:
http://sopra.jrl.police.ir/article_93665.html
- چلبی، مسعود. (5355). *مطالعه پیمایشی اخلاق کار در سه شهر ایران*، در *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*. تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود. (5355). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز. (1376). *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رفیع‌پور، فرامرز. (8388). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی؛ پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران*. تهران: انتشارات سروش.
- رفیع‌پور، فرامرز. (1311). *موانع رشد علمی ایران و راه‌حل‌های آن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مظفری، محمدمهدی؛ روشن‌قیاس، کلثوم و بلباسی، محرمعلی. (8388). بررسی رابطه بین مدیریت بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی ناهنجاری

اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر قزوین. فصلنامه علمی - پژوهشی
انتظام اجتماعی، 11(1)، 77-88. قابل بازیابی از:

http://sopra.jrl.police.ir/article_110657.html

- نقدی دورباطی، وحید. (1311). بررسی جامعه‌شناختی تربیت اخلاقی در آموزش و پرورش ایران: با تأکید بر هنجارهای انصاف و صداقت، دانشنامه دکتری، گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- نقدی دورباطی، وحید. (5355). تحلیل تجربی اخلاق عملی با تأکید بر تعهد تعمیم‌یافته به‌مثابه وجه عملی اخلاق اجتماعی. دوفصلنامه علمی - پژوهشی تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، 4(11)، 36-1. قابل بازیابی از:

https://jsa.sbu.ac.ir/article_99261.html

- نقدی دورباطی، وحید. (4400). تحلیل تجربی تمایل نخبگان جوان به انتظام اجتماعی: با تأکید بر رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی مبتنی بر قانون طلایی. فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، 12(66)، 201-244. قابل بازیابی از:

https://qjds.atu.ac.ir/article_13149.html

- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (1344). برنامه درسی دوره: کارشناسی پیوسته رشته آموزش علوم اجتماعی (خاص دانشگاه فرهنگیان)، گروه برنامه‌ریزی تربیت معلم.

- Bachleitner, K. (2021a). *Memory as Political Strategy*. in Bachleitner K. *Collective Memory in International Relations*. Oxford University Press.

- Bachleitner, K. (2021b). *Memory as Public Identity*. in Bachleitner K. *Collective Memory in International Relations*. Oxford University Press.

- Elster, J. (1989). *The Cement of Society: a Study of Social Order*. Cambridge University Press.

- Elster, J. (2007). *Explaining Social Behavior, more nuts and bolts for the social sciences*. Cambridge university press.

- Foshay, W. R., & Roschelle, J. (2017). Learning Sciences and Instructional Design: Big Challenges and Multifield, Multidisciplinary Solutions, in Lin, L. and J. Michael S. (Edts.), *The Sciences of Learning and Instructional Design: Constructive Articulation Between Communities*, Published by Routledge.
- Keyes, D. K. (2011). Making Curriculum of Lives: Living A Story of Critical Literacy, in Kitchen, J. and Ciuffetelli P. D. & Pushor, D. (EDT.) *Narrative Inquiries into Curriculum Making in Teacher Education, Advances in Reaserch on Teaching*. Volume 13, Published by Emerald. Retrieved from:
<http://ndl.ethernet.edu.et/bitstream/123456789/48978/1/15..pdf#page=256>
- Kim, G. (2020). Black Wave: Saudi Arabia, Iran, and the Forty-Year Rivalry That Unraveled Culture, Religion, and Collective Memory in the Middle East. Published by Henry Holt & Company.
- Libbey, H. P. (2004) Measuring student relationships to school: Attachment, bonding, connectedness, and engagement, *Journal of School Health*, 74, 274–283. Retrieved from:
<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1746-1561.2004.tb08284.x>.
- Lewin, K. (2000). *Resolving social conflicts; Field theory in social science*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Marbach-Ad, G. and Egan, L. C. & Thompson, K. T. (2015). *A Discipline-Based Teaching and Learning Center: A Model for Professional Development*. Springer International Publishing Switzerland.
- Mertler, C. A. (2019). *The Wiley Handbook of Action Research in Education*. John Wiley & Sons.
- Ozer, E. (2005). The impact of violence on urban adolescents: Longitudinal effects of perceived school connection and family support, *Journal of Adolescent Research*, 20, 167–192. Retrieved from:
<https://psycnet.apa.org/record/2005-01987-002>
- Ritzer, G. and Murphy, W. W. (2020). *The Wiley Blackwell Companion to Sociology*. Published by Wiley-Blackwell.
- Schulman, L. S. (1986). Paradigms and research programs in the study of teaching: A contemporary perspective, In Wittrock, M. C.,

Handbook of research on teaching, Third Edition, A Project of the American Educational Research Association, Macmillan Publishing Company.

- Smagorinsky, P. (2013). The development of social and practical concepts in learning to teach: A synthesis and extension of Vygotsky's conception, *Journal of Learning Culture and Social Interaction*, 2(4), 238-248. Retrieved from:
<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S2210656113000482>.
- Smagorinsky, P. (2018). Literacy in Teacher Education: “It’s the Context, Stupid. *Journal of Literacy Research*, 1(Vol. 1: 1-23. Retrieved from:
<https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/1086296X18784692>
- Smelser, N. J. (1991). *Social paralysis and social change_ British working-class education in the nineteenth century*. University of California Press.
- Smith, R.C. (2017). *Mainstream Social Science, Pathology and the Question of Norms, in Society and Social Pathology: A Framework for Progress*, published by Palgrave Macmillan.
- Taylor, E. (2018a). Student drug testing and the surveillance school economy: An analysis of media representation and policy transfer in Australian schools. *Journal of Education Policy*, 33(3), 383–397. Retrieved from:
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/02680939.2017.1337228>
- Taylor, E. (2018b). Curating risk, selling safety? Fear of crime, responsabilisation and the surveillance school economy, In Lee, M and & Mythen, G. (Eds.). *The Routledge International Handbook on Fear of Crime*, Oxon: Routledge.
<https://openaccess.city.ac.uk/id/eprint/21563/3/>
- Tyler, T. R., & Trinkner, R. (2017). *Why Children Follow Rules: Legal Socialization and the Development of Legitimacy*. Oxford University Press.
- Tyler, T. R. and Yuen J. H. (2002). *Trust in the Law: Encouraging public cooperation with the police and courts*. Russell Sage Foundation New York.